روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه • ۲۷ بهمن ۱۳۹۴ • ۷ جمادی‌الاول ۱۴۳۷ • ۱۶ فوریه ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۲۲ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۰۵ • اذان صبح‌فردا ۵:۲۶ • طلوع آفتاب ۶:۵۰

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آچارکشی

ماست‌بندی برادران ایرانی به غیر از ۹ تاشون

پوریا عالمی

● امروز دوتا موضوع بی‌ربط دیدیم که سعی می‌کنیم یک‌طوری به هم ربطشان بدهیم:

به غیر از جابر

ما یک دوست داشتیم به اسم جابر ایرانی، که خیلی هم پسر خوبی بود. منتها داداش‌هاش باهاش بد بودند. حالا نمی‌دانیم کار داداش‌های جابر بالا گرفته و رفته‌اند توی دولت، یا فقط یک شباهت اسمی ساده است. چرا؟ چون آن‌موقع‌ها یادمان است داداش‌های جابر مصالح‌فروشی باز کرده بودند. بالاش هم تابلو زده بودند: «ماست‌بندی برادران ایرانی به غیر از جابر» دست‌برقضا دیروز دیدیم سخنگوی وزارت امورخارجه دولت، حسین جابری‌انصاری، اعلام کرده و تابلو بزرگ زده سردر فرودگاه‌های کشور: «به اتباع همه کشورها ویزا داده می‌شود، جز واسه ۹تاشون» زندگی همین است دیگر. یک موقع مردم از دولت الگو می‌گیرند، یک‌وقت هم دولت از مردم کپی می‌کند.

بحران حالات نصفه

روزنامه ایران گزارش داده «زنی جوان که خریدوفروش اینترنتی نوزاد می‌کرد، به دام افتاد».

پلیس اعلام کرد این زن را دقیقا حین ارتکاب جرم دستگیر کرده است. متأسفانه با ورود پلیس به خانه این زن، متهم سریع اینترنت را قطع می‌کند و به‌همین‌دلیل نوزاد فروخته‌شده، نصفه آپلود می‌شود. پلیس از مردم خواسته با توجه به سرعت اینترنت از خریدوفروش اینترنتی نوزادان منصرف شوند.

اتفاق

رتبه چهارم محک در جهان

● اتفاق خوبی افتاده است. مؤسسه خیریه محک با کسب امتیاز ۵/۹۵ درصد، در هفتمین ممیزی استاندارد بین‌المللی NGO Benchmarking حائز رتبه چهارم در بین ۲۹۹ سازمان غیردولتی در جهان شد. این رتبه حاکی از انطباق عملکرد مؤسسه محک به‌عنوان یک سازمان ایرانی با بهترین شیوه‌های کاری تعریف‌شده در کلاس جهانی است.

کارتون خواب

ساسان خادم

رودررو

یادی از استاد راغب مصطفی غلوش

در بهشت این لحن‌ها بشنوده‌ایم

سیدابوالحسن مختاباد

نسل ما که در سال‌های نوجوانی و جوانی با صدای مرحوم عبدالباسط خو گرفته بود، در اواخر دهه ۶۰ از صداوسیما صدایی را شنید و تصویری را دید که توانست خود را هم‌عرض آن صدا برکشاند و بر دل‌ها بنشاند؛ صدایی با حجمی پروپیمان که تندی و تیزی صدای عبدالباسط را نداشت، اما زنگ و رنگ و طعمی داشت که متفاوت از صداهای دیگر بود و البته بسیار دلنشین و فراوان تأثیر. صدای زیبا و تأثیرگذار این ویژگی را دارد که مخاطب را جذب کرده و اندک‌اندک به درون خود می‌کشد و اگر مخاطب اهل عمق و معنا باشد به‌مرور به سمت معنای درونی صدا و فهم آن هم می‌رود. به قول عمان سامانی که می‌فرمایند: بشنوید این صاحب آواز کیست/این که گوید از لب من راز کیست. گویی این‌گونه صداها راز هستی را از زبان فرد بازمی‌گویند و نوعی همذات‌پنداری و زیبایی‌شناسی هنری را در ذهن و ضمیر فرد شکل می‌دهند. به یاد دارم سالی را که خانم کلارا خانس (شاعر نامی اهل اسپانیا و از دوستان مرحوم احمد شاملو) به ایران آمده بود و از طریق دوستی خواست نزد استاد شهرام ناظری برود و من واسطه این ملاقات فرهنگی بودم. وقتی از او پرسیدم که چه شد به سمت زبان فارسی آمدید و چرا می‌خواهید با استاد ناظری ملاقات کنید، از نخستین خاطره‌اش از صدای استاد ناظری گفت در کنسرتی در اسپانیا که ناظری شعری از مولانا در دیوان شمس را می‌خواند، او مسحور این صدا شده بود و می‌گفت: با خودم گفتم: «چنین صدایی حتما باید شعری زیبا و پرمعنی را بخواند که چنین بر روان و جان آدمی تأثیر می‌گذارد» و به سراغ یادگیری زبان فارسی رفت و شد یکی از مترجمان نامدار اشعار فارسی به زبان اسپانیایی. در میان قرآن‌هایی که استاد غلوش خوانده‌اند سه قرائتش بیش از همه برایم جذابیت داشت. سوره الرحمن، سوره احزاب و انتهای سوره آل‌عمران که آیاتی از آن را استاد شجریان در دعای معروف ربّنا به کار بردند که البته پیش از ایشان مرحوم ذبیحی این آیات را به کار برده بودند. از استاد شجریان هم در جایی خواندم که مرحوم غلوش از دوستی نوار ربنای استاد را می‌گیرند و بعد از دوسال که می‌شنوند، ضمن تحسین اجرای منحصربه‌فرد استاد از ربنا به آن دوست می‌گویند که نمی‌توانند اوج را آن‌گونه‌ای بخوانند که آقای شجریان می‌خوانند. اجراهایی که از استاد غلوش موجود است (برخی از آنها به ۵۰ سال قبل) و شیوه‌ای که ایشان پیرو آن بود (شیوه مرحوم مصطفی اسماعیل) و بعدها البته استقلال و ماهیت خاص خود را هم به دست آورد، رگه‌هایی دارد که به نظر می‌رسد استاد شجریان هم در خواندن ربنا از آنها بهره برد. اگر علاقه‌مندان همین اجرای استاد غلوش از سوره احزاب یا انتهای سوره آل‌عمران را شنیده باشند درخواهند یافت که رفت‌وبرگشت‌ها و تکرارها به‌قدری حساب‌شده و دقیق و مینیاتوری است که مخاطب حس می‌کند نمی‌توان حتی ثانیه‌ای و لحظه‌ای از آن را جابه‌جا کرد. تأکیدها، مکث‌ها، شیوه نفس‌گیری و حتی فاصله‌گذاری که در نحوه استفاده از میکروفن‌ها و دوری و نزدیکی استاد غلوش به آنها صورت می‌گرفت همه حساب‌شده و دقیق بود و ذهن مخاطب را درگیر خود می‌کرد. درواقع قرآن‌خوانی او تنها شنیدنی نبود، بلکه دیدنی هم بود و آدمی وقتی این صدای ملکوتی را می‌شنید بی‌اختیار به سراغ معانی آن آیات ملکوتی هم کشیده می‌شد تا خطاب و گفت‌وگوی خداوند به بنده‌اش را با زیباترین صوت‌ها بشنود. یادش گرامی باد و روحش قرین رحمت الهی.

گزارش فردا

دوربین‌های روشن، کافه‌های خاموش

شرق: شنبه گذشته، پیامکی از سوی اداره اماکن برای برخی صاحبان کافه‌ها ارسال شده که با هرگونه حضور دختر و پسر که با جابه‌جایی هدایایی چون گل، شکلات و...همراه باشد، برخورد می‌شود. در این پیامک، به کافه‌داران اخطار داده شده که مسئولیت هر اتفاقی که یکشنبه‌شب در کافه آنها رخ بدهد با خودشان است و اداره اماکن در صورت لزوم برخورد قانونی خواهد کرد. با دریافت این پیامک برخی عطای درآمد این شب خاص را به لقایش بخشیده‌اند و کافه را بستند و گروهی دیگر، با نگرانی و اضطراب، از میهمانان کافه خود پذیرایی کرده‌اند. چنین برخورد دوگانه‌ای را می‌شود در گفته‌های دو کافه‌دار دید؛یکی به «شرق» می‌گوید که ناچار شده است کافه خود را تعطیل کند: «واقعیت این است که ترجیح دادم از نان‌خوردن نیفتم و یکشنبه‌شب کافه را تعطیل کردم. من نمی‌توانم با میهمانانم برخورد کنم و از آنها بخواهم پیش از ورود به کافه، کیف‌هایشان را به من نشان دهند که در آن اثری از هدیه‌های ولنتاینی نباشد،». یکی دیگر از کافه‌داران مرکز شهر که یکشنبه‌شب، شب شلوغی را در کافه خود تجربه کرده، به «شرق» می‌گوید که از چنین پیامکی خبر ندارد و بعید می‌داند که تعطیلی برخی از کافه‌ها در آن شب خاص، ربطی به چنین موضوعاتی داشته باشد: «در یکی، دوماه اخیر، برخورد با صنف ما زیاد شده و برخی از کافه‌ها پلمب شده‌اند. از آنجایی که هزینه مادی و معنوی پلمب‌شدن کافه برای کافه‌دار، بالاست، بعضی از همکاران ما در آستانه چنین شب‌هایی، ترجیح می‌دهند خودشان را در معرض چالش قرار ندهند و از خیر کاسبی آن شب می‌گذرند».پلیس از چندروز مانده به بیست‌وپنجم بهمن‌ماه، برخورد جدی با هدایای ولنتاینی را در دستور کار قرار داده بود. از چندماه مانده به این روز هم از گمرک خواسته بود که جلو واردات چنین اقلامی را بگیرد و حالا برخورد با کافه‌های پرمشتری مرکز پایتخت، آخرین قدم برای مبارزه فرهنگی با آن چیزی بود که بخش‌نامه اداره اماکن آن را «ترویج فرهنگ منحط غرب» دانسته است. عجیب اما اینجاست یکشنبه‌ای که گذشت، روز جهانی بخشش کتاب هم بود و اگر در این زمینه فرهنگسازی گسترده صورت می‌گرفت، اهدای کتاب می‌توانست به یک فرهنگ جایگزین در نسل جوان بدل شود تا کافه‌داران نیز شبی آرام‌تر را پشت‌سر بگذارند.